

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینه ایران

نویسنده: تی یری میسان – par Thierry Meyssan

برگردان از: حمید محوی

۰۱ دسمبر ۲۰۱۳

«زیر چشمان ما»

شصت و یکمین واقعه نگاری سیاست بین المللی

ایران تسلیم شد

در حالی که رسانه ها برای توافقات بین ۱+۵ و ایران به ادای تأیید کف مرتب می زنند، تی یری میسان که یکی از دوستان شخصی محمود احمدی نژاد است، در این رابطه دولت جدید ایران را تسلیم شده می بیند. از دیدگاه او خیلی پوچ خواهد بود که تصور کنیم که منازعاتی که رئیس جمهور احمدی نژاد طی ۸ سال سر سخنان پی گیری می کرد، ناگهان خاتمه یافته است. حقیقت این است که ایران از تحقیقات هسته ای اش قطع نظر کرده و در حال تعطیل کردن ساختارهایش در زمینه تولید انرژی هسته ای است، بی آن که در ازای آن چیزی دریافت کرده باشد، البته به جز حذف تدریجی تحریم هایی که به شکل غیر قانونی علیه ایران راه اندازی شده بود. به عبارت دیگر، کشور به زانو درآمده و تسلیم شده است.

شبکه ولتر



رئیس جمهور - شیخ حسن روحانی در حال اعلام توافقتنامه ژنو به مردم ایران

امضای توافقات پیرامون موضوع هسته‌ای ایران، طی ۲۴ نومبر در ژنیو، به استثناء اسرائیل، به شکل همگانی به عنوان پایان منازعات مورد استقبال قرار گرفت و علاوه بر این طرفین مذاکره‌کننده واقعه را به شکلی تلقی کردند که گوئی این توافقات خیلی پیش از اینها می‌توانست صورت پذیرد و گوئی تنها شیوه‌های بیانی رئیس‌جمهور پیشین بوده که چنین امر میمون و مبارکی را دچار اختلال می‌کرده است.

در نتیجه ممکن بود که تجارت بین‌المللی ایران در هم شکسته شود و ما از روی چنین تسامحاتی با جنگ جهانی روبه‌رو شویم.

واقعیت امر البته خیلی متفاوت است: غربی‌ها به هیچ عنوان از هیچ یک از مطالباتشان دست‌نکشیده‌اند، ولی ایران از تمام برنامه‌هایش قطع نظر کرد. حتی اگر متن امضاء شده تنها موقتی باشد، ایران از ساخت مرکز اراک، و از غنی‌سازی ۲۰ درصدی و از فن‌آوری غنی‌سازی قطع نظر کرد (۱).

سال ۲۰۰۵، انتخاب احمدی‌نژاد به عنوان رئیس‌جمهور ایران، نفس تازه‌ای برای مدافعان انقلاب خمینی بود. خلاف دو رئیس‌جمهور پیشین، رفسنجانی (۱۹۸۹-۱۹۹۷) و خاتمی (۱۹۹۷-۲۰۰۵)، احمدی‌نژاد نه تنها طرفدار سیاست استقلال ملی بود بلکه در خط فکری علی‌شریعتی رویکرد ضد امپریالیست نیز داشت. طی چند سال موجب ارتقاء علمی و صنعتی کشور شد. او موجب شد که تحقیقات هسته‌ای به ایجاد سامانه تولید انرژی هسته‌ای بینجامد که خاصه در کشورهای جهان سوم قابل بازتولید باشد و استقلال انرژی را برای عالم بشریت بدون استفاده از ذغال، نفت و یا گاز فراهم سازد.

هرگز به اندازه کافی اختلاف بین جناح‌های ایرانی به روشنی مطرح نشده است. رفسنجانی و خاتمی روحانی هستند، در حالی که احمدی‌نژاد به طیف پاسداران انقلاب تعلق دارد. طی تجاوزات عراق، پاسداران بودند که به بهای جانشان کشور را نجات دادند، در حالی که بخش روحانیت از امتیازات خود برای معاف کردن فرزندان‌شان استفاده می‌کردند که به جبهه فرستاده نشوند. بخش روحانیت ثروت عظیمی را در اختیار دارد، و خود رفسنجانی ثروتمندترین فرد کشور است، در حالی که پاسداران از قلب توده‌های مردم برخاسته‌اند و شیوه زندگی فروتنانه‌ای دارند. طی ۸ سال غرب در مورد احمدی‌نژاد به عنوان حریف سرسخت دچار اشتباه نبود، ولی در مورد خصوصیات او در اشتباه بود زیرا این رهبر را در عین حال به عنوان مردی راز و رمز مدار و ضد روحانی، و «آدم ملاها» تعریف می‌کرد.

در پاسخ به بلند پروازی‌های انقلابی احمدی‌نژاد، غربی‌ها برنامه هسته‌ای ایران را زیر علامت سؤال بردند (۲) و از سازمان ملل متحد استفاده کردند تا غنی‌سازی‌های اورانیوم او را ممنوع کنند، با آگاهی به این امر که ایران ذخیره عظیمی در اختیار دارد (۳). به این شکل می‌توانستند ایران را از بهره‌برداری منابع خودش محروم سازند و از سوی دیگر می‌خواستند این کشور را مجبور کنند که فلز گرانبه‌ای خود را به قیمت نازلی به آنها بفروشد. بر این اساس بر آن شدند تا در شورای امنیت یا به شکل یک جانبه، یک سری تحریم بی‌سابقه برای خفه کردن کشور راه اندازی کنند. علاوه بر این اردوی تبلیغاتی علیه احمدی‌نژاد را راه اندازی کردند تا او را به عنوان فردی خطرناک و دیوانه قلمداد کنند. سرانجام، به کمک رفسنجانی و خاتمی انقلاب رنگی را طی سال ۲۰۰۹ سازماندهی کردند (۴).

همه به یاد دارند که چگونه سخنرانی احمدی‌نژاد را تحریف کردند و مدعی شدند که گوئی او گفته است که می‌خواهد اسرائیل را نابود کند (رویترز به دروغ اعلام کرد که او می‌خواهد اسرائیل را از نقشه جغرافیایی حذف کند) (۵).

یا علاوه بر این باید از تحریفات کنگره درباره موضوع هولوکاست یاد کنیم که گوئی او مدعی شده است که غربی‌ها معنویت را در جوامعشان از بین برده‌اند و مذهب جدیدی پیرامون هولوکاست ایجاد کرده‌اند، و با وجود حضور خاخام‌ها در این کنگره، او از منکران هولوکاست تجلیل به عمل آورده، بی آن که از نظریاتی یاد کنیم که به او در مورد یهودیان نسبت داده‌اند که گوئی برای یهودیان تبعیض خاصی قائل شده است (۶).

گروه شیخ روحانی در عین حال نماینده منافع روحانیت و بورژوازی تهران و اصفهان است، و خواب موفقیت اقتصادی را می بیند و با مبارزه ضد امپریالیستی کاملاً بیگانه است. حذف تدریجی تحریمات به این گروه اجازه می دهد که از پشتیبانی وسیع مردم برخوردار شوند، ایرانی ها در حال حاضر توافقات ژنیو را به عنوان نوعی پیروزی می دانند که معمولاً باید موجب ارتقاء سطح زندگی آنها شود.

اما غربی ها همان اهداف همیشگی خودشان را پی گیری می کنند. طرح حمله جرج دبلیو بوش پیشبینی می کرد که ابتداء افغانستان و عراق را ویران می کند، سپس به شکل پی در پی به لیبیا و سوریه (با عبور از لبنان) حمله خواهد کرد، و سپس سودان و سومالیا، و سرانجام به سراغ ایران خواهد رفت. از دیدگاه آنها، تحریم هائی که علیه ایران راه اندازی کردند، اگر چه به بهانه های تردیدآمیز تکیه داشت، ولی ابزار ساده ای بود برای تضعیف ایران. از دیدگاه آنها تسلیم شدن شیخ روحانی با معمر قذافی قابل مقایسه است که از برنامه هسته ئی اش قطع نظر کرد و به تمام مطالبات واشینگتن آری گفت تا از جنگ اجتناب کند. ولی به همان شکلی که برای قذافی روی داد، واگذاری های شیخ روحانی بعداً علیه کشور خودش به کار بسته خواهد شد.

در واقع از روی اشتباه، معمر قذافی تصور می کرد که خصومت ایالات متحده علیه او به دلیل اعتقادات سیاسی بوده است. در حالی که تنها انگیزه ای که تعیین کننده تصمیم جرج بوش بود ریشه در عرصه جغرافیای سیاسی داشت. سال ۲۰۱۰، لیبیا در جنگ «علیه تروریسم» به هم پیمان واشینگتن تبدیل شد و بازار داخلی اش را به روی شرکت های چند ملیتی ایالات متحده باز کرده بود، ولی موجب نشد که قذافی را «دیکتاتور» معرفی نکنند و چنین سیاستی کشورش را از بمباران نجات نداد. به همین شکل، هم پیمان شدن با ایالات متحده ایران را از جنگ دور نخواهد ساخت.

طی چهار سال آینده، ایران رؤیای شریعتی و خمینی را به تاریخ خواهد سپرد و روی منافع دولتی متمرکز خواهد شد. از تعهداتش نسبت به جهان عرب دست خواهد کشید و برای «بیزنس» به دولت های عضو سازمان همکاری های اقتصادی (ترکیه، ایران، و تمام آسیای مرکزی) خواهد گروید. به تدریج پشتیبانی های مالی و نظامی اش را از سوریه و حزب الله و فلسطینی ها کاهش خواهد داد. وقتی تهران خط دفاعی فرامرزی خود را کاملاً از بین برد، آنگاه واشینگتن دوباره به سراغ ایران خواهد آمد و بنای ناسازگاری از نو شروع خواهد شد.

پی نوشت:

[۱] [Nuclear deal between Iran and six world powers \(full text\)](#) , “Voltaire Network, 24 November 2013.

[۲] [Propagande : CNN, pris sur le fait, s’excuse auprès de l’Iran](#) , « par OssamaLotfy, Réseau Voltaire, 17 janvier 2006.

[۳] [Qui a peur du nucléaire civil iranien?](#) , « par Thierry Meyssan ,Réseau Voltaire ۳۰ juin 2010.

[۴] [La CIA et le laboratoire iranien](#) » , « [Pourquoi devrais-je mépriser le choix des Iraniens?](#) » , « [La "révolution colorée" échoue en Iran](#) , « par Thierry Meyssan, Réseau Voltaire, 17, 21 et 24 juin 2009 » ; [Iran : le bobard de l' "élection volée"](#) , « par James Petras, Traduction Marcel Charbonnier, Réseau Voltaire, 19 juin 2009 » ; [Rafsandjani acclamé au cri de « Mort à la Russie ! Mort à la Chine!](#) » , « Réseau Voltaire, 19 juillet 2009.

[۵] [Comment Reuters a participé à une campagne de propagande contre l’Iran](#) , « Réseau Voltaire, 14 novembre 2005.

[۶] » [[Iran : les gouvernements anglo-saxons fabriquent de fausses nouvelles](#)], « par Thierry Meyssan, Réseau Voltaire, 24 mai 2006.

گاهنامه هنر و مبارزه

۳۰ نومبر ۲۰۱۳